

## مصاحبه رادیو انترناسیونال با منصور حکمت کنفرانس برلین و جناحهای حکومت اسلامی

(این برنامه روز پنجم مه ۲۰۰۰ در ایران پخش شده است)

**رادیو انترناسیونال:** از بعد از کنفرانس برلین تبلیغات هیستریکی از طرف هر دو جناح جمهوری اسلامی علیه حزب کمونیست کارگری ایران راه افتاده و اتهامات حیرت انگیزی را به حزب کمونیست کارگری وارد میکنند. شما برخورد این دو جناح را چگونه تفسیر میکنید؟

**منصور حکمت:** برخوردشان به ما بنظر من در اساس نشان دهنده ترسشان از جنبش ضد جمهوری اسلامی است، جنبش علیه هردو جناح. ببینید این دو جناح هر کدام اساسا دیگری را متهم میکنند به اینکه دارد پایه های نظام را سست میکند. دوم خردادیهها دارند به جناح مقابل میگویند که این برخوردهای قشری شما و این تاکید شما بر اسلامیت غلیظ و این نپذیرفتن تعدیل باعث میشود مردم بر سر کل حکومت بریزند و یک جنبش سرنگونی طلبی عظیم شکل بگیرد و جمهوری اسلامی ای بجا نگذارد. راستها در مقابل از قدیم دارند به دوم خردادیهها میگویند که این "توسعه توسعه" گفتن های شما، این "گشایش گشایش" گفتن های شما و "جامعه مدنی" گفتن های شما، یک جنبش سرنگونی طلبی عظیم را به میدان میاورد و طومار کل رژیم را در هم میپيچد. این موضع گیری اساسی و همیشگی این دو جناح در برابر هم است. در نتیجه هر وقت بحران بالا میگیرد، هرکدام دیگری را به جاده صاف کن دشمن بودن متهم میکنند. در اعتراضات تیرماه که کار به جنگ خیابانی با سپاه پاسداران کشید، هر دو همین کار را کردند. هرکدام دیگری را به این متهم کردند که دارد میدان را برای عناصر و نیروهای خارج جریان "خودی" باز میکند که در صحنه سیاسی دخالت کنند. امروز جالب است، و ما خیلی از این خوشحالیم، که این نیروی سوم، این لولو خورخوره ای که هرکدام دیگری را با آن میخواهد بترساند و ساکت کند حزب کمونیست کارگری ایران است. ما سمبل مبارزه علیه دو جناح، سمبل مبارزه علیه کلیت جمهوری اسلامی و نماینده واقعی مردم بیرون این حکومت شده ایم و طبیعی است که هرکدامشان دیگری را متهم میکند که آب به آسیاب ما میریزد، همدست ما است و در این ماجرا داستانهای محیرالعقولی هم هرکدام تعریف میکنند که واقعا شایسته جمهوری اسلامی است.

روزهای اول راست ها و خامنه ای چی ها بودند که دوم خردادیهها را به همدستی با ما متهم کردند که بله شما در بند و بست با حزب کمونیست کارگری رفته اید در برلین عمدا جلسه گذاشته اید تا اینها بیایند مرگ بر جمهوری اسلامی بگویند. تا جایی که رسانه های طرفدار خاتمی در اروپا نگران شده بودند، با ما تماس میگرفتند که آیا واقعا دوم خردادیهها با شما تماس داشته اند و با هم توافق کرده بودید؟! بعد از اینکه دوخردادیهها اینطور در منگنه قرار گرفتند، بنظر میاید صحبت کرده اند و تصمیم گرفته اند همان سناریو را برای راستها پیاده کنند. حالا آنها خامنه ای و دارودسته اش و جناح راست را متهم میکنند که با حزب کمونیست کارگری تباری کرده اند تا دوم خرداد را بزنند. قضیه بسیار محیر العقول و تماشایی است. دو جناح حکومت در یک کشور پهناور دارند به همدیگر برچسب میزنند که با حزبی که عملا راس و پرچم جنبش سرنگونی طلبی در خارج حکومت است دمساز و همراه شده و حتی همدیگر را متهم میکنند که رفته اند سران این حزب را دیده اند، از آن خط گرفته

اند، با آن قرار گذاشته اند! این البته باعث انبساط خاطر و سرگرمی خیلی از کمونیستها شده. اما بنظر من خیلی خوب است. چون نشان داده شد که سه جریان در جامعه ایران وجود دارد، دوم خردادیهها و راست ها بخشی از این واقعیت اند، مردم و امثال حزب کمونیست کارگری هم یک گوشه دیگر واقعیت اند و نیرویی هستند که هرروز هولناکتر و ترسناکتر دارد خودش را به اینها نشان میدهد.

در جواب به این حملات هیستریک ما فقط باید اینرا به مردم یادآوری کنیم که قابل انتظار است که دوم خردادیهها برای اینکه در این جدال انتساب دیگری به دشمن عقب نمانند این حملات را به ما بکنند. این حملات اینقدر مسخره است که دیگر از حد عقل خارج شده. جالب است که هم زمان با ایران، در خارج کشور هم و با بعضی ایادی شان، با بعضی از اوباشی که در خارج به اسم روزنامه نگار دارند، در روزنامه های خارج این داستانهای خیره کننده را میکارند، دارند سعی میکنند دفع شر کنند. و اتهاماتی را که جناح خامنه ای و راستها به آنها زده اند را به سمت خود آنها برگردانند. ما در جواب این حملات کار خودمان را میکنیم. برای مردم روشن میکنیم که دعوا سر چیست. خامنه ای و راست ها چه میگویند، خاتمی و جناح دو خرداد چه میگویند و در این میان حزب کمونیست کارگری چه میگوید. حزب کمونیست کارگری به صحنه آمده است. این اولین بار در تاریخ بیست سال اخیر ایران است که جناحهای مختلف حکومت بطور ملموس یک جنبش سرنگونی طلبی قدرتمند را بیرون خودشان میبینند و اینچنین از آن میترسند و بعلاوه در قلب این جنبش سرنگونی طلبی، یک جریان و حزب سیاسی متشکل و رادیکال با بیست سال سابقه مبارزه لاینقطع علیه حکومت را میبینند و بنظر من عکس العمل شان طبیعی است. ایران دارد وارد فاز جدیدی میشود، صحنه سیاسی آن دارد به زور بروی مردم باز میشود، حزب کمونیست کارگری وارد این معادلات شده و ما بسیار از این تحولات خوشحالیم.

**رادیو اترناسیونال:** اهمیت این کنفرانس برلین یا تاثیر این کنفرانس چه بوده که چنین غوغا و بلبشویی را چه در ایران و چه خارج کشور راه انداخته؟

**منصور حکمت:** باید یادتان بیاید که رژیم جمهوری اسلامی چگونه تا بحال سر پا مانده. جمهوری اسلامی جنگ را داشته، سلمان رشدی را داشته، اشغال سفارت را داشته، و حالا کنفرانس برلین را دارد. جلسات مشابه کنفرانس برلین قبلا هم فراوان بوده و ما در خارج کشور در کشورهای مختلف آنها را پیکت کرده ایم، از تشکیلشان ممانعت کرده ایم، افشا کرده ایم. هرجا سران حکومت آمده اند خارج که به نفع حکومت اسلامی تبلیغ و پروپاگاندا بکنند، ما سد راه این قضیه شده ایم. نکته اینجاست که این دوم خردادیهها هستند که عمدتا از طرف غربی ها به خارج دعوت میشوند. و لاجرم موضوع اغلب این پیک ها در خارج این جناح است. وگرنه اگر خامنه ای بیاید به خارج که باید ببینند اینجا مردم چه به روزش میاورند. در نتیجه، اینکه لبه تیز این افشاگریها و اقدامات اعتراضی در خارج کشور معمولا عناصر دوم خردادی هستند فقط بخاطر این است که فعلا در غرب برای اینها تربیون سخنرانی فراهم میکنند. اگر خامنه ای ها و ناطق نوری ها و ده نمکی ها به اروپا بیایند که روزگارشان به مراتب سیاه تر خواهد شد. در نتیجه هر عنصر جمهوری اسلامی که پایش را در خارج بگذارد و بخواهد تربیونی برای دفاع از جمهوری اسلامی بدست بیاورد، حزب کمونیست کارگری و کمونیستها و آزادیخواهان در خارج کشور از جلسه اش یک صحنه افشاگری درست میکنند. در کنفرانس برلین چند نفر از ایادی حکومت

حضور داشتند. عده دیگری هم آدم های خوشنامی بودند که جزء حکومت نیستند، و حتی اگر از جنبش دوم خرداد و یا خاتمی دفاع بکنند، دارند عقیده شان را میگویند و ما هیچوقت به این اعتراض نداشته ایم. اعتراض به محتوای عقیده شان داشته ایم ولی به سخنرانی شان هیچوقت اعتراض نداشته ایم. مشکل ما کسانی است که سپاه پاسداران را راه انداخته اند، وزارت اطلاعات را گردانده اند، کسانی هستند که سخنگویان و عامل سرکوب و اعدام و شکنجه در آن جامعه بوده اند.

بهرحال اگر اینها در ایران در این بن بست سیاسی حاد نبودند کنفرانس برلین هم واقعه ای میشد مثل بقیه وقایعی که در این بیست سال از سر گذرانده اند. منتهی این واقعه در دوره بعد از انتخابات مجلس، که راستها میخواستند زیرش بزنند و آن تناسب قوای جدید بین خودشان و دوم خردادها را اجازه ندهند، ابزاری شد برای تهییج از هر دو طرف. در کنفرانس برلین عده ای آمده اند شعار مرگ بر جمهوری اسلامی دادند و با صدای رسا به جهان اعلام کرده اند که این مملکت فقط دو جناح رژیم را ندارد. مردم یک طرف اصلی جدال هستند. اکثریت عظیم مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند. راست ها این را شاهد گرفتند برای تکرار آنچه که همیشه به دو خردادها میگفتند که ببینید شما حرف از توسعه و دیالوگ میزنید و در پس آن این قدرت عظیم مردمی که سرنگونی میخواهند میاید از فرصت استفاده میکند. شما به این ها میدان دادید. در ماجرای برلین این حمله را اول راست ها کردند بخاطر اینکه پرچم سرنگونی طلبی و ضدیت با جمهوری اسلامی آنجا بلند شد. دوم خردادها هم مجبورند مقابله به مثل کنند. طرف دارد به دشمن منتسب شان میکند آنها هم متقابلا باید همین کار را بکنند.

بزرگترین جرم در جمهوری اسلامی تماس با "دشمن" است. در نتیجه اگر دشمن را شما حزب کمونیست کارگری تعریف بکنید معلوم بود که سیاست دوم خردادها این میشود که در قدم بعد برلین را به صحنه ای تبدیل کنند که گویا راست ها همدوش این "دشمن" علیه آنها توطئه کرده اند. واقعیت این است که هیچ توطئه ای در کار نبوده، مردم جلوی ابراز وجود نمایندگان و عوامل و سخنگویان مدافع جمهوری اسلامی را در خارج گرفتند، مثل نمونه های بسیاری در چند سال اخیر، منتهی این اتفاق مصادف شد با دوره پس از انتخابات، با ماجرای ابطال بعضی از صندوقها، با ماجرای دور دوم انتخابات و این سوال که بالاخره چند روز دیگر این مجلس قرار است با چه ترکیبی از عوامل و جناحهای جمهوری اسلامی باز بشود و اینجاست که برلین در بازی قدرت در ایران، این جایگاه را پیدا کرد بخصوص که بطور سمبلیکی محل ابراز وجود یک نیروی سوم در جامعه ایران شد و این برای آنها واقعا دردناک است.

**رادیو انترناسیونال:** شما در پاسخ تان مقداری توضیح دادید. فقط میخواستم کمی روشن تر کنید که آیا سیاست

حزب کمونیست کارگری بهم زدن سخنرانیهای دوم خردادها یا مخالفین تان است؟

**منصور حکمت:** ابا اینطور نیست. ما شعارمان این است: جمهوری اسلامی را میکوبیم با مخالفمان بحث میکنیم، با جمهوری اسلامی نبرد میکنیم با مخالفمان جدل میکنیم. دوم خردادها منحصر به کسانی که در این کنفرانس بودند نیستند. سازمان اکثریت دوم خردادی است، توده ای ها دوم خردادی هستند، خیلی از جریانات موسوم به "اپوزیسیون" دوم خردادی هستند و خیلی از شخصیتهای داخل کشور و شعرا و ادبا دوم خردادی هستند. اینها

آزادانه به جلسات مختلف در خارج کشور می‌ایند و می‌روند. خود ما در کنفرانس‌های مختلفی که برگزار کرده ایم از مدافعان دوم خرداد دعوت کرده ایم تا بیایند سخنرانی کنند. نشریات ما را که باز می‌کنید مصاحبه‌های مختلفی می‌بینید با کسانی که دارند از دوم خرداد و خاتمی دفاع می‌کنند. بحث ما تریبون ندادن به ایادی جمهوری اسلامی است. اینها که در کنفرانس برلین بودند سه چهار نفرشان ایادی جمهوری اسلامی بودند، باقی‌شان هم از شخصیت‌های غیر رژیم‌های ای بودند که شاید از دوم خرداد چپ‌تر یا راست‌تر بوده‌اند. ما کاری به این طیف نداشتیم. اگر فقط این دسته دوم در کنفرانس شرکت می‌داشتند هیچکس از کنفرانس برلین مساله‌ای نمی‌ساخت. ولی اگر "بچه‌های قدیم سپاه" و سران "سابق" وزارت اطلاعات قرار است بیایند و تا "آزادیخواهی" جمهوری اسلامی را به مردم آلمان نوید بدهند و بگویند جهان می‌تواند جمهوری اسلامی را به عنوان دولتی معتبر قبول کند، اینجاست که دیگر مردم جلوی‌شان می‌ایستند.